

# زبان خوارزمی\*

زهره زرشناس

از پژوهش‌گاه علوم انسانی

زبان خوارزمی، از گروه شرقی زبان‌های ایرانی، زبان قدیم خوارزم بوده است. در قلمرو این زبان بسیاری از آثار گران قدر علمی و ادبی ایرانی پدید آمده است. در پنج قرن نخستین حضور اسلام در سرزمین خوارزم، دانش‌مندان بسیاری از آن دیار برخاستند که از ابو عبدالله محمد بن یوسف الخوارزمی (مؤلف کتاب الجبر) و ابوریحان محمد بن احمد بیرونی (مؤلف آثار الباقیه)، نابغه ریاضی و نجوم و جغرافیا و علوم طبیعی می‌توان نام برد که تقویم و فهرست اصطلاحات نجومی به زبان متأخر خوارزمی را مدیون او هستیم. دیگر دانش‌مند نام‌ور خوارزم ابوالقاسم محمود بن عمر الزمخشری ملقب به «فخر خوارزم» (مؤلف مقدمه الادب) است که اثر او، در قالب فرهنگ، حاوی بدنه اصلی واژگان موجود زبان خوارزمی است.

در سال گذشته، به ابتکار و همت فرهنگستان زبان و ادب فارسی، برای آموزش زبان خوارزمی، دوره‌ای از ۷۴/۸/۲۱ تا ۷۴/۱۰/۱۰ برگزار شد. در این دوره که جلسات هفتگی آن روز یکشنبه دایر می‌شد، پروفیسور میخائیل. ن. باگالیوئف Mikhail. N. Boqolyubov، که به دعوت اولیای محترم فرهنگستان به ایران آمده بود، تدریس می‌کرد.

\* از استاد گران مایه، آقای دکتر احمد تفضلی، سپاس‌گزارم که زحمت خواندن این مقاله را قبل از چاپ قبول و نکته‌هایی سودمند گوش‌زد فرمودند.

استاد، عضو فرهنگستان علوم روسیه و استاد زبان‌های باستانی و میانه ایران است و مطالعات زیادی در زبان خوارزمی انجام داده و مقاله‌هایی درباره ادات، ضمائر و ویژگی‌های خط عربی-خوارزمی از او منتشر شده است.<sup>۱</sup>

شرکت در این دوره و بهره‌مندی از محضر پروفیسور باگالیوف و دیگر استادان بزرگوار فرهنگستان، فرصتی بود مغتنم برای آن‌که، در حد استعداد خود، با زبان مادری ابوریحان بیرونی و زمخشری آشنا گردم و به جا می‌دانم که در این مقام مراتب سپاس‌گزاری خود را به حضور اولیا و استادان فرهنگستان، که چنین امکان ارزش‌مندی را در اختیار علاقه‌مندان به فرهنگ و ادبیات فارسی و زبان‌های باستانی و میانه ایران قرار دادند، تقدیم کنم. بی‌تردید برگزاری این دوره گام خجسته‌ای بوده است که اول بار امکان عملی مؤثر برای آشنایی دانش‌پژوهان ایرانی با زبان خوارزمی فراهم آورده است. این وجیزه تنها بهانه‌ای است برای قدرشناسی از این تلاش فرهنگی.

نام خوارزم را نخست در کتیبه‌های هخامنشی<sup>۲</sup> (Uvārazmiš/Huwārazmiš) و متون اوستایی<sup>۳</sup> (xāirizəm) می‌بینیم. سپس، در سراسر قرون دوران میانه تا زمان غلبه اعراب بر آن در قرن ۸م، از این ایالت تابع شاهنشاهی هخامنشی نامی نمی‌شنویم. حتی کشف شمار بسیاری سکه، نوشته‌های روی الواح گلی و گلدان‌های نقره‌ای و اسناد نگاشته بر چوب و چرم، به همت باستان‌شناسان شوروی سابق، چیزی بر اطلاعات ما نمی‌افزاید، چون اندکی از آنها آن‌هم با کیفیتی غالباً نامطلوب منتشر شده است (← پایین). بنویست و بسیاری از ایران‌شناسان، با ذکر دلایلی متفاوت، خوارزم را بخشی از ایران ویج (airyanəm vaējō) اوستایی و Erānwēs فارسی میانه، میهن اصلی ایرانیان نخستین، می‌دانند.<sup>۴</sup>

(۱) تعدادی از مقالات ایشان درباره زبان خوارزمی در این جا ذکر شده است:

M. N. Boqolyubov, "O nekotoryh osobennostjeh arabo-horezmijskoj piš mennosti [On some peculiarities of the Arabo-Choresmian script]", *NAA* 1961, 4, 182-187; Casticy v horezmijskom jazyke [Particles in the Choresmian language]", *UZLU. Serija vostokovedčeskikh nauk* 12, 1961, 81-84; "Ličnye mestoimenija v horezmijskom jazyke [Personal pronouns in the Choresmian language]", *UZLU, Serija vostokovedčeskikh nauk* 16, 1962, 6-15; "Mestoimenija v horezmijskom jazyke [Pronouns in the Choresmian language]", *KSINA* 67, 1963, 99-103; Horezmijskie kalendarnye glossy v. "Hronologii Biruni" [Choresmian calendar glosses in Bīrūnī's Chronology], *VJa* 1985, 1, 28-33.

(۲) کتیبه داریوش در نقش رستم (DNA)، ص ۲۳؛ (۳) مهریشت، بند ۱۴.

(۴) ← E. BEHRENS, L'Erān-Vēj et l'origine légendaire des Iraniens, *BSOAS*, VII. (1934) p.268.

سرزمین خوارزم از دید مورخان اسلامی یکی از شهرستان‌های خرم، آبادان و پرجمعیت خراسان در دو کرانهٔ جیحون (آمودریا) بوده است.<sup>۵</sup> (امروزه بخشی از آن در جمهوری ازبکستان و بخشی دیگر در جمهوری ترکمنستان واقع در جنوب دریای آرال است). جهان‌گردان و جغرافیایان یوسان آب و هوای خوش و سرسبزی آن را بسیار ستوده‌اند.

دربارهٔ وجه اشتقاق واژهٔ خوارزم آراء گوناگونی اظهار شده است که برای نمونه یکی دو فقره از آنها به اختصار ذکر می‌شود. باگالیوف<sup>۶</sup> این واژه را مرکب از سه جزء hu-vara-zami، به معنای «زمین دارای اقامتگاه‌های خوب»، می‌داند. مکنزی<sup>۷</sup> آن را مرکب از دو جزء Hwāra-Zmī به معنای «سرزمین پست» دانسته است که با وضع جغرافیایی سرزمین خوارزم، واقع در سواحل پست دو رود سیحون و جیحون، مطابقت دارد. مقدسی، این واژه را مرکب از «خوار» (به معنای گوشت در زبان خوارزمی) و «رزم» (به معنای هیزم در زبان خوارزمی) می‌داند که وجه اشتقاق عامیانه‌ای به نظر می‌رسد.<sup>۸</sup>

زبان خوارزمی تا اواخر قرن ۴ م در سرزمین خوارزم زنده بوده و سپس مغلوب زبان

(۵) برای توضیح بیشتر تر - ابوالقاسم محمود بن عمر الزمخشری الخوارزمی، «پیشو ادب یا مقدمهٔ الادب»، گرد آورده و پیراستهٔ سید محمد کاظم امام، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲. ص ۱۹.

(۶) اظهار نظر شفاهی ایشان در کلاس درس.

(۷) D. N. Mackenzie, "Khwarazmian language and literature", *The Cambridge History of Iran*, 3 (2), Cambridge, 1993. pp. 1244-1249.

(۸) مقدسی دربارهٔ وجه تسمیهٔ خوارزم داستانی را به شرح زیر بیان می‌کند:

آورده‌اند که: یکی از شاهان گذشتهٔ خاورزمین، که بر چهار صد تن از نوکران نزدیک در کشور خویش خشم آورده بود، دستور داد ایشان را به نقطه‌ای دور ببرند که صد فرسنگ از آبادی دور باشد و آن کاث بود. پس از مدتی کسانی را برای آگاهی از ایشان فرستاد، چون بدانجا رسیدند ایشان را دیدند که خرگاه‌ها ساخته، با شکار ماهی زندگی می‌کنند و هیزم بسیار دارند. چون بنزد شاه باز گشتند او را آگاه کردند، او پرسید: ایشان گوشت را چه نامند. گفته شد: خوارا پرسید هیزم را؟ گفته شد: رزم! شاه گفت: پس همان جا بمانند و آنجا را خوارزم بنامید! پس دستور داد چهارصد دخترک ترک برایشان بردند، و از این روی تاکنون در قیافهٔ ایشان رنگ ترکی دیده می‌شود. گویند هنگام تبعید، شاه برای ایشان نهری از رودخانهٔ جیحون بدانجا کشید که سیرایشان کند: نک: ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی، «احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم» ترجمهٔ دکتر علیقتی منزوی. شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران ۱۳۶۱. ص ۴۱۳-۴۱۴.

باقوت نیز همین داستان را با شرح مفصل‌تری ذیل واژهٔ خوارزم نقل کرده است. نک: باقوت بن عبدالله الجموی الزومی البغدادی، «معجم البلدان»، ج ۲. بیروت، ۱۹۵۶. ص ۳۹۵.

آزبکی شده است.<sup>۹</sup> مرزهای همگویی<sup>۱۰</sup> متفاوتی این زبان را با دیگر زبان‌های دورهٔ میانه و نو ایرانی مربوط می‌سازد. جایگاه زبان خوارزمی در حلقهٔ زبان‌های ایرانی از نزدیکی رابطهٔ آن با زبان سغدی، از یک سو، و با زبان آسی، از سوی دیگر، حکایت دارد. اما، به نظر هنینگ،<sup>۱۱</sup> بسیاری از شباهت‌های حیرت‌انگیز دو زبان خوارزمی و سغدی را می‌توان ناشی از وجود واژه‌های دخیل دانست و بررسی تغییرات آوایی این زبان بیش‌تر نشان دهندهٔ رابطهٔ آن با زبان‌های جنوب و جنوب شرقی است. نکتهٔ بسیار جالب توجه، نزدیکی واژگان دو زبان خوارزمی و اوستایی است و این، با حدود دو هزار سال فاصلهٔ زمانی، تصادفی به نظر نمی‌رسد. البته، هنوز تا اثبات این معنی که زبان خوارزمی مستقیماً از یکی از گویش‌های اوستایی مشتق شده باشد راه درازی در پیش است.<sup>۱۲</sup> ولی، اگر فرضیهٔ هنینگ<sup>۱۳</sup> را که «گاهان، کهن‌ترین بخش اوستا، در همسایگی مرو و هرات (که در آن زمان بخشی از ایالت خوارزم پیش از شاهنشاهی هخامنشی بوده است) سروده شده» به خاطر آوریم، شاید به این نتیجه برسیم که بخشی از ادبیات خوارزمی در آن سروده‌های کهن به ما رسیده است، هرچند، هومباخ<sup>۱۴</sup> معتقد است که رابطهٔ نزدیک میان زبان خوارزمی و اوستایی به دلایل آوایی بسیاری مردود است.

### آثار باقی مانده از زبان خوارزمی

دانش ما از زبان خوارزمی بر آثار و مدارک مربوط به دو دورهٔ متفاوت از زبان متکی است

۹) از «رسالة الالفاظ الخوارزمیه» که در قرن هشتم برای توضیح لغات و عبارات خوارزمی «فتیة المنیة» تألیف شده، چنین بر می‌آید که در حدود قرن هشتم زبان خوارزمی رو به فراموشی می‌رفته و فهم آن محتاج توضیح بوده است اما از عبارت تاریخ بیهقی دربارهٔ یعقوب جندی سفیر ابوالعباس مأمون بن مأمون خوارزمشاه به دربار محمود غزنوی که: «رقعتی نبشت به زبان خوارزمی به خوارزمشاه» (چاپ دکتر فیاض و دکتر غنی، ص ۶۷۱) آشکار است که زبان خوارزمی در قرن پنجم هجری هنوز معمول بوده و غلبهٔ کامل فارسی و ترکی پس از آن روی داده است. - احسان یارشاطر، «چند نکته دربارهٔ زبان خوارزمی»، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات تهران، سال اول، ش ۲، ۱۳۳۲، ص ۴۱-۴۸. (۱۰) isoglass

(۱۱) برای توضیح بیش‌تر -:

W. B. HENNING, "The Khwarezmian language," in: *Zeki Velidi Togan'a Armağan [Symbolae in honorem Zeki Velidi Togan]*, Istanbul 1950-55, 421-436 [basic linguistic analysis].

(۱۲) مکزی به پی‌روی از هنینگ به ذکر این نکته پرداخته است. -: D. N. MACKENZIE, op. cit, p. 1248-1249.

(13) W. B. HENNING, *zoroaster, politician or witch doctor?* Oxford, 1951, pp. 43 ff.

(14) H. Humbach, "choresmian", *compendium Linguarum Iranicarum*, Wiesbaden, 1989, p. 191.

که، ضمن داشتن ویژگی‌هایی متفاوت، مکمل یکدیگرند:

۱. مدارک مربوط به خوارزمی میانه - هنینگ آنرا خوارزمی باستان می‌نامد - به خط آرامی - خوارزمی؛

۲. مدارک مربوط به خوارزمی متأخر (یا فقط خوارزمی)، به الفبای عربی - خوارزمی.

۱. آثار و مدارک خوارزمی میانه طی چهار سال گذشته در حفاری‌های سرزمین‌های

شوروی سابق به مقدار زیاد و در اشکال متنوع و نگاهشته بر روی اجسامی از جنس‌های متعدد به دست آمده ولی، متأسفانه، فقط اندکی از آنها به صورتی مطلوب منتشر شده است.<sup>۱۵</sup> این آثار مشتمل است بر:

الف) دو گلدان گلی نوشته‌دار که در قلعه کوی کریلگن koy-krylgan به دست آمده و احتمالاً، متعلق است به قرن سوم یا دوم قم (منسوب به دوران اولیه خوارزمی میانه)؛

ب) شمار زیادی سکه با نوشته خوارزمی<sup>۱۶</sup>؛

ج) اسنادی نوشته بر چوب و چرم مکشوفه از توپراق قلعه<sup>۱۷</sup> (Topraq-qaḷʿa) و دژ یکه پرسن<sup>۱۸</sup> (yakke parsan). بعضی از نوشته‌های توپراق قلعه دارای تاریخ (در محدوده زمانی ۲۰۷ تا ۲۳۱ یا ۲۳۲) اند بی آن که مبدأ تاریخ دقیقاً روشن باشد.

د) شماری گلدان نقره نوشته‌دار که از منطقه آرال به دست آمده‌اند؛

۱۵) در خلال سال‌های ۱۹۳۷-۱۹۴۹ هینتی، به سرپرستی تولستوف، به کاوش و تحقیق درخطة قدیم خوارزم پرداخت و مقدار زیادی سکه و مجسمه‌های کوچک و غیره به دست آورد. برای توضیح پیش‌تر -  
W. B. HENNING, "The Choresmian documents", *Asta Major* 11, 1965, 166-179.

و نیز نک: مقاله تولستوف و لیویشیتز به زبان روسی -:

S. P. Tolstov and V. A. Livshitz, "Datiro vannye nadpisi na xorezmijskix ossyaris x gorodišča Tok-kala", *Sovetskaya Etnografija* 2, 1964, 50-69.

و به زبان انگلیسی -:

"Decipherment and interpretation of the khwarezmian inscriptions from Tok Kala", *AAnH* 12, 1964, 231-251.

۱۶) برای توضیح پیش‌تر -:

S. P. Tolstov, *VDI* 4 (5), 1938, 120-145 and *Drënej Xorezm*, 1948, 173-195.

۱۷) این مکان بنا بر گفته تولستوف قصری سلطنتی بوده که از حدود ۳۰۰ میلادی به بعد متروک مانده است. -:  
S. P. Tolstov, *Trudy Xorezmskoj Arxeologo-Etnorafičeskoj Ekspedicii* II, 1958, 208-212 and *po drevnim del' tam Oksa i yaksarta*, 1962, 217 ff.

۱۸) برای توضیح پیش‌تر -:

S. P. Tolstov, *podrevnim del'tam Oksa i yaksarta*, 1962, p. 257.

۱. آثار مکشوفه از توق قلعه<sup>۱۹</sup> (Toq-qal'a) و خومبوز (هومبوز) تپه<sup>۲۰</sup> (Humbuz-Tepe). بعضی از نوشته‌های توق قلعه نیز دارای تاریخ (در محدوده زمانی ۶۵۸-۷۵۳) همچنان با مبدأ تاریخی نامشخص‌اند.

۲. آثار خوارزمی متأخر را، پیش از همه، با ترجمه خوارزمی علامه جاراالله ابوالقاسم محمود بن عمر الزمخشری (وفات: ۵۳۸ هـ) از مقدمه الادب و تفسیرهای<sup>۲۱</sup> خوارزمی دیگر دست‌نویس‌های همان متن می‌شناسیم<sup>۲۲</sup>. زمخشری این کتاب را، که نوعی قاموس عربی است، به سه زبان فارسی و ترکی و خوارزمی و در دو بخش اسامی و افعال ترتیب داده بود. از دیگر آثار خوارزمی متأخر می‌توان از عبارات یا جمله‌های کوتاهی یاد کرد که در کتاب‌های فقهی گوناگون آمده است، نظیر بیتة الدهر فی فتاوی اهل العصر<sup>۲۳</sup> تألیف محمد بن محمود علاء‌الدین عبدالرحیم الترجمانی الملکی الخوارزمی (وفات: ۶۴۵) مشتمل بر بعضی عبارات خوارزمی برای نشان دادن امثله محلی؛ و «قبة المنية»<sup>۲۴</sup> تألیف نجم‌الدین ابورجا مختار بن محمود الزاهدی (وفات: ۶۵۸ هـ)؛ و رساله مختصری به نام

۱۹) این مکان شهری خرابه برتپه‌ای در ۱۴ کیلومتری شمال غربی نوکوز Nukuz در شمال خوارزم است. ←  
S. P. Tolstov - V. A. Livshits, "Decipherment and interpretation of the khwarezmian inscriptions from Tok-Kala", *AAnth* 12, 1964, 231-251; A. V. Cudkova, *Tok-kala*, Taškent, 1964.

۲۰) برای توضیح بیشتر تر ←

V. A. Livšič' M. M. Mambetulaev", *Ostrak iz Humbuz-Tepe [Ostrakon from Khumbuz-Tepe]*, in: *pamjamiki istorii i literatury vostoka*, Moskva, 1986, 34-45.

۲۱) glosses

۲۲) طوغان نسخه خوارزمی مقدمه‌الادب را در ۱۹۴۸ در ترکیه کشف و چاپ عکسی آنرا در ۱۹۵۱ منتشر کرد. ←  
Z. V. Toğan, *Horezmece Tercümelü Muqaddimat al Adab*, Istanbul, 1951.

۲۳) طوغان نخستین بار جملات خوارزمی بیتة الدهر را بدون توضیح به چاپ رساند. ←

Z. V. Toğan, *Hwarezmische Satze in einem Arabischen Fiqh-Werke*, *Islamica*, 3, 1927, p. 195 ff.

۲۴) طوغان نسخه‌ای از کتاب فقهی قبة المنية را که در بیش‌تر کشورهای اسلامی شناخته و مشهور است همراه با دست‌نویس «رسالة الالفاظ الخوارزمية التي في قبة المبسوط» کشف و در ۱۹۳۶ گزارشی درباره آن در *Deutsche Orientalistentag, VIII. Bonn 1936*) منتشر کرد. بعدها نیز نسخه‌های متعددی از دو کتاب قبة المنية و رساله... در ترکیه و شوروی سابق به دست آمده است. ←

Z. V. Toğan, "Über die sprache und kultur der alten chwarezmier", *ZDMG*, 1936, pp. 27-35.

و نیز برای آخرین اطلاعات درباره کتب فقهی خوارزمی ←

D. N. Mackerzie, "khwarezmian in The law books. *Studia Iranica-cahier 7, Études IRANO-Aryennes offertes à Gilbert Lazard*, pp. 265-276.

«رسالة الالفاظ الخوارزمية التي في قنية المبسوط»<sup>۲۵</sup> تألیف کمال الدین العمادی الجرجانی (سده هشتم هجری، معاصر ابن بطوطه)، مشتمل بر توضیح کلمات خوارزمی قنیه المنیه. علاوه بر این آثار، اسامی اشخاص و نام امکنه جغرافیایی و تفسیرهای خوارزمی چندی در آثار مؤلفان اسلامی دیده می شود که اصطلاحات تقویمی و نجومی و اسامی پادشاهانی که در آثار الباقیه<sup>۲۶</sup> ابوریحان بیرونی فهرست شده و واژه های دارویی و اسامی گیاهان و جانوران و کانی ها که در الصیدنه فی الطب<sup>۲۷</sup> از همین مؤلف آمده از مهم ترین آنهاست.

جملات خوارزمی مقدمه الادب نسبتاً ساده و روان است. مترجم، دقیقاً، اصل عربی متن را مد نظر داشته و عبارات او تکراری، یک نواخت، با ساختار واحد، و کسل کننده است. اما اطلاعات کم نظیری درباره زبان خوارزمی در دسترس خواننده می گذارد. در قیاس با جملات و عبارات کوتاه قنیه المنیه اندکی پیچیده تر و اغلب پر از الفاظ و مفاهیم دویلهلو و مبهم است و فقط در صورت آشنایی کامل با زبان خوارزمی می توان معنای آنها را دریافت. عباراتی نظیر «دختر خود را در مقابل یکصد دینار کابین به تو دادم» یا «این باغ را به ما اجاره بده»، که در دعاوی حقوقی اهمیت داشته و در زندگی روزمره نیز به کار می رفته اند، در آن به چشم می خورد. اگر بررسی نحو زبان خوارزمی و نحوه بیان آن در زندگی روزمره مورد نظر باشد باید به مطالعه قنیه المنیه پرداخت. در عوض، بررسی مقدمه الادب برای دست یابی به گنجینه واژگان این زبان سودمند است. مدارک بازمانده از خوارزمی متأخر را، با توجه به خصوصیات مذکور، مشکل بتوان ادبیات نامید.

### خط متون خوارزمی

همه آثار خوارزمی میانه به خطی نوشته شده است که مانند خط اقوام همسایه خوارزم، یعنی سفیدیان و پارتیان، از اصل آرامی - خط رایج در سراسر سرزمین های شاهنشاهی ایران - گرفته شده و در آن هزوارش به کار رفته است. این خط که معمولاً آن را خط آرامی - خوارزمی می نامند، از راست به چپ نوشته می شده، و بسیار پیچیده و مشکل است. با ظهور اسلام این سنت نوشتاری کهن منسوخ شد. همه آثار خوارزمی متأخر به

۲۶) ابوریحان بیرونی؛ آثار الباقیه، چاپ زاخاتو = Chronologie orientischer Völker, ed. E. Sachau, 1878. ص ۴۶ و ۴۷ و ۷۰ و ۲۳۵-۲۴۱.

۲۷) ابوریحان بیرونی، الصیدنه فی الطب، تصحیح عباس زریاب. مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۰.

خطی نوشته شده‌اند که از الفبای عربی-فارسی گرفته شده و معمولاً عربی-خوارزمی نامیده می‌شود.<sup>۲۸</sup> تقایص موجود در خط عربی-خوارزمی - نظیر منعکس نشدن بعضی از مصوّت‌ها و یا نامعلوم بودن ارزش آوایی آنها، ثبت دو یا سه صامت با یک حرف و بی‌نقطه بودن بخش اعظم حروف در بعضی از دست‌نویس‌ها (مانند بخش اول یعنی بخش اسامی در دست‌نویس مقدمه الادب)، گذاشتن نقطه‌های بسیار بر روی حروف در بعضی دیگر (مثلاً در بخش پایانی دست‌نویس مقدمه الادب)، نبودن اعراب (به‌ویژه در دست‌نویس خوارزمی مقدمه الادب) - بررسی متون متأخر خوارزمی را دشوار می‌سازد.

### تاریخچه مطالعات زبان خوارزمی

دانش امروزی ما از زبان خوارزمی مدیون کوشش خستگی‌ناپذیر و ذهن جستجوگر پروفیسور ا. زکی ولیدی طوغان است. وی نخستین کشفیات خود را در زبان خوارزمی، شامل برداشت‌هایی از *یتیمه الدهر* و مقدمه الادب، در ۱۹۲۷ منتشر ساخت.<sup>۲۹</sup> مطالعات زبان شناختی خوارزمی از آن تاریخ تا کنون به‌کندی ادامه یافته است. امروزه کتاب‌هایی که درباره زبان خوارزمی منتشر شده مشکل به بیست عنوان برسد. نخستین مقاله هنینگ ۹ سال پس از مقاله طوغان انتشار یافت.<sup>۳۰</sup> البته نشر چاپ عکسی دست‌نویس مقدمه الادب زمخشری در ۱۹۵۱ به همت طوغان گام بزرگی بود در راه تحقیق و بررسی زبان خوارزمی.<sup>۳۱</sup> در همان اوان، ا. ا. فرایمان (A. A. FREIMAN) نیز در

(۲۸) از آنجا که الفبای عربی برای ادای اصوات خوارزمی کافی نبوده است، خوارزمیان دو حرف تازه خ (به احتمال قوی با تلفظی شبیه Z در زبان آلمانی) و ف (با تلفظی شبیه به W در زبان آلمانی و V در زبان فرانسه) را به آن افزوده‌اند. علاوه بر آن، در خوارزم معمول بوده است که در زیر بعضی حروف بی‌نقطه مانند د، ر، س، ط، ص، نقطه می‌گذاشته‌اند تا از صورت نقطه‌دار این حروف به آسانی تمیز داده شود. اما در عمل بیش‌تر واژه‌های خوارزمی یا بی‌نقطه‌اند یا دارای نقطه‌گذاری ناقص. هم‌چنین، در این خط تمایزی میان ک و گ وجود ندارد.

29) A. Zekī Walīdī, "Hwārezmische Sätze in einem arabischen Fiqh-Werk", *Islamica* 3, 1927/8, 190-213 ["ZV" = Zeki Velidi, glosses of Yatīmat ad-Dahr and Muqaddimat al-Adab].

30) Z. V. Toğan and W. B. HENNING, "Über die sprache der alten Chvarezmier" and "Über die sprache der Chvarezmier", *ZDMG* 90, 1936, 27-30 and 30-34. [superseded by HENNING's later publications].

31) A. Zekī Velīdī Toğan, *Documents on Khorezmian Culture. Part 1: Muqaddimat al-Adab, with the translation in Khorezmian*, Istanbul 1951 [Konya MS of Muq.]



جای دیگری از دنیا به پژوهش این زبان مشغول بود<sup>۳۲</sup>. ضرورت ذکر نام واژه‌نامه زبان خوارزمی هنینگ، انسان را بی‌اختیار متأثر و اندوهگین می‌سازد؛ چون این استاد مسلم زبان‌های ایرانی تقریباً تا واپسین دم زندگی در آن کار می‌کرده و طی چهل سال همه مواد دست‌رس این زبان را بررسی کرده است؛ اما، متأسفانه، فقط به آماده ساختن ۲۶۰ مدخل از آن واژه‌نامه (kw تا kw<sup>o</sup>) برای چاپ موفق شده است<sup>۳۳</sup>. امروزه، با انتشار حرف‌نویسی و ترجمه مقدمه الادب، به همت یوهانس بنزینگ (J. BENZING)، زبان خوارزمی دیگر زبان ناشناخته و فراموش شده‌ای نیست<sup>۳۴</sup>. یکی از تازه‌ترین تحقیقات در زبان خوارزمی ترجمه و بررسی قتیة المنیة است که پرفسور دی. ن. مکزی آن را انجام داده است<sup>۳۵</sup>.

(۳۲) ا. ا. فرایمان حدود ۲۷۵ جمله خوارزمی قتیة المنیة را در مقاله مبسوط خود با عنوان «Khorezmiskije Glossi» آورده که آن‌را با چهار مقاله دیگر در کتاب «زبان خوارزمی» به چاپ رسانیده است. ←  
A. A. FREIMAN, *Xorezmijskij jazyk*, Oriental Institute of the Academy of Sciences, Moskow & Leningrad, 1951.

و نیز برای اطلاع از انتشارات بعدی درباره زبان خوارزمی ←: مارک درسدن، «زبان‌های ایرانی میانه» ترجمه احمد تفضلی، مجله بررسی‌های تاریخی، سال نهم، ش ۶، ص ۲۹-۳۰.

33) W. B. HENNING, *A Fragment of a Khwarezmian Dictionary*, Ed. by D. N. MACKENZIE, London 1971 [contains additional Qunya quotations]. Review by H. Humbach, *ZDMG*, 124, 1974, 175 f.

(۳۴) آثار بنزینگ به ترتیب زمانی عبارت‌اند از:

J. BENZING, "Das Chwaresmische Sprachmaterial einer Handschrift der "muqaddimat al-Adab" von Zamaxšarī, Wiesbaden 1968 [transcribed edition of Konya Muq. and ZV glosses]", Reviews by M. SCHWARTZ, *ZDMG* 120, 1970, 288-304; R. E. EMMERICK, *JRAS* 1970, 67-70; O. KLIMA, *AO* 39, 1971, 217-220; W. SUNDERMANN, *OLZ* 66, 1971, 578 f; G. DOERFER *GGA* 224, 1972, 161-164; cf. H. Humbach, *ZDMG* 123, 1973, 93-97;

D. N. MACKENZIE, *The Khwarezmian glossary*, 1-5, *BSOAS* 33, 1970, 540-558; 34, 1971, 74-90. 314-330. 521-536; 35, 1972, 56-74 [very numerous corrections to BENZING];

J. BENZING, *Chwaresmischer Wortindex*, mit einer Einleitung von H. Humbach. Hrsg. von Z. TARAF, Wiesbaden 1983;

J. BENZING-N. YUCE, *Chwaresmische Wörter und Sätze aus einer choesmtürkischen Handschrift der Muqaddimat al-Adab*, *ZDMG* 135, 1985, 92-103 ["NY" = Nuri Yuce, glosses of Muq.];

35) D. N. MACKENZIE, *The khwarezmian element in the Qunyat-al-munya*, school of Oriental and African studies, University of London, 1990

پرفسور باگالیوئف این کتاب را در سرکلاس زبان خوارزمی تدریس می‌کردند و آقای دکتر تفضلی از سر لطف نسخه‌ای از آن را در اختیار این جانب قرار دادند.

پژوهش و بررسی آثار و مدارک خوارزمی میانه را هنینگ در ۱۹۵۸ آغاز کرد<sup>۳۶</sup> و دانش‌مندی چون تولستوف (S. P. Tolstov) و لیوشیتس (V. A. Livshits) آن را پی گرفتند<sup>۳۷</sup>.

در ایران، احسان یارشاطر، نخست بار، زبان خوارزمی را با انتشار دو مقاله به جامعه پژوهندگان فارسی زبان معرفی کرد<sup>۳۸</sup>. در پایان، باید از خانم مه‌لقا صمدی، پژوهنده ایرانی که در آلمان به مطالعه و پژوهش در زبان خوارزمی مشغول است، نام ببرم. کار ارزنده او به زبان آلمانی، درباره فعل در زبان خوارزمی، منتشر شده است<sup>۳۹</sup>.

### ویژگی‌های زبان خوارزمی

گفتیم که زبان خوارزمی در عداد زبان‌های ایرانی گروه شرقی جامی گیرد و، همانند دیگر زبان‌های این گروه، حفظ برخی از خصوصیات صرفی و نحوی زبان‌های باستانی، نظیر حالات صرفی<sup>۴۰</sup> و نیز تغییراتی آوایی، مانند تبدیل g و d و b به γ و δ و β و ft و xt ی میانی به βd و γd - حکایت از این معنی دارد. البته، تغییرات آوایی غیر عادی نظیر تبدیل š به x (در γwx به جای γws به معنای «گوش») در کنار mwf به جای واژه موش فارسی نیز در این زبان دیده می‌شود که شاید بعضی از این تغییرات نشان دهنده آمیختگی گرایش‌های گفتاری متعدد در زبان و یا احتمالاً ناشی از وام‌گیری‌های واژگانی باشد؛ نظیر

36) W. [B.] HENNING, "Mitteliranisch," in: *HBO, Iranistik I*, 1958, 20-130, esp 56 f., 84-86, 109-120.

(۳۷) به منابع مورد اشاره در پانویست‌های ۱۵ و ۱۸ رجوع شود و نیز ->

V. A. "Livshits, The Khwarezmian calendar and the eras of ancient Chorasmia", *AAnth* 16, 1968, 433-446 [With an outline of the sources];

B. J. VAJMBERG, *Monety drevnego Horezma* [Coins of Ancient Choresm], Moskva 1977;

V. A. LVIŠIĆ, *Dokumenti* [Documents], in: *Toprak-Kala. Dvorec*, Moskva 1984, 251-286.

(۳۸) احسان یارشاطر، «آثار باز یافته زبان خوارزمی»، مجله مهر، سال ۸، ش ۱۰، ص ۵۸۴-۵۸۸؛ همو، چند نکته درباره زبان خوارزمی، مجله دانشکده ادبیات تهران، سال اول، ش ۲، ص ۴۱-۴۸.

39) M. SAMADI, *Das chwarezmische Verbum*, Wiesbaden 1986, Review by D. N. MACKENZIE, *JRAS* 1988, 197-199.

و نیز برای آگاهی بیشتر از کتاب‌شناسی زبان خوارزمی -> H. Humbach, *op. cit.* p. 202-203.  
(۴۰) در زبان خوارزمی، اسامی دارای دو جنس مذکر و مؤنث (نمونه خشتی دیده نشده است) و سه شمار مفرد، جمع و مؤنثی (به ندرت) هستند و در حالت‌های صرفی فاعلی یا مفعولی صریح، اضافی، مفعولی عنه (ازی)، مفعولی معه (بابی) و مفعولی فیه (دری) دیده می‌شوند. این مطلب در مورد زبان سغدی (با توجه به قانون‌مندی‌های خاص آن زبان) نیز صادق است.

وجود  $\delta y$  به معنای سه (همانند زبان سغدی) در کنار  $hr\delta ys$  به معنای سیزده (بسنجید با  $hry$  به معنای سه در زبان پارتی).

یکی از پدیده‌های جالب زبان‌های باستانی که در این زبان دوره میانه محفوظ مانده است وجود حرف تعریف معینی است (در صورت مذکر  $i/\delta y$  و در صورت مؤنث  $(/y\bar{a}/y^{\delta}/)$  که از ضمیر موصولی باستانی ( $ya-$ ) مشتق شده است و در زبان اوستایی نیز کاربرد مشابهی دارد.

یکی دیگر از ویژگی‌های شگفت‌انگیز زبان خوارزمی وجود وقف<sup>۴۱</sup> در این زبان است. پدیده‌ای که در زبان‌هایی نظیر عبری و آرامی نیز دیده می‌شود. این قانون را، که در همه واژه‌ها در مکان پایانی جمله مصداق دارد، می‌توان چنین فرمول‌بندی کرد که مصوّت قبل از آخرین صامت هر واژه در پایان جمله در وقف تکیه‌دار یا کشیده و بلند می‌شود و معمولاً در خط به صورت حرف  $\gamma$  بی‌ثباتی ظاهر می‌گردد. بر این اساس، واژه‌ای مانند  $\delta^{\delta}dk$  به معنای «پسر» به هنگام وقف به صورت  $\delta^{\delta}dyk$  و واژه  $\delta\beta r$  به معنای «در» به هنگام وقف به صورت  $\delta\beta yr$  و یا فعلی مانند  $h^{\delta}\beta rd$  به معنای «او داد» در پایان جمله به صورت  $h^{\delta}\beta ryd$  در می‌آید.

ساختمان فعل در زبان خوارزمی و ویژگی‌های استثنایی و حیرت‌آوری که آن را به صورت پدیده‌ای منحصر به فرد در میان دیگر زبان‌های ایرانی در آورده است خود مبحثی است در خور مطالعه<sup>۴۲</sup>. با آن که در این مقاله سعی بر آن بوده است که فقط به

41) pausa, pause

۴۲) به طور کلی، ساختمان فعل در زبان خوارزمی همانند زبان سغدی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که این دو زبان ایرانی میانه شرقی را از زبان‌های ایرانی میانه غربی متمایز می‌سازد. از وجوه مشترک این دو زبان در مورد ساختمان فعل به دو نکته زیر می‌توان اشاره کرد: ۱. در این دو زبان، بر خلاف زبان‌های ایرانی میانه غربی، ساختمان ماضی غیر تام (imperfect) باستانی محفوظ مانده است. این نوع فعل، از نظر ساخت، ماضی بنا شده بر ماده مضارع و دارای مفهوم ماضی مطلق یا ماضی ساده است. با وجود آن که این نوع ماضی، هم از نظر ساخت و هم از نظر تعریف، از نمونه باستانی خود (برای مثال از فارسی باستان) پی‌روی می‌کند اما گروهی از پژوهندگان (برای مثال هومباخ در مورد افعال خوارزمی و سیمز ویلیامز در مورد افعال سغدی) معتقد به وجود ماده غیر تام (imperfect stem) هستند. برای توضیح بیشتر تر ←

(H. Humbach, op. cit, p. 199; N. Sims-Williams, *The christian Sogdian manuscript c2 (=Berliner turfantexte 12)*, 1985. Berlin.)

۲. در هر دو زبان با افزودن لفظ  $k^{\delta}m$  به صیغه‌های فعل مضارع، فعل آینده یا مستقبل می‌سازند. توضیح آن که

معرفی اجمالی زبان خوارزمی پرداخته شود و از ورود به مباحث فنی و جزئیات دستور زبان پرهیز گردد، از ذکر چند نکته در این مورد که مختصّ زبان خوارزمی است نمی‌توان چشم پوشید. نخست وجود نظامی است از توالی پسوندهایی که به صورت‌های فعلی می‌پیوندند و نحو زبان را پیچیده و دشوار می‌سازند. شمار پسوندهایی که ممکن است به افعال پیوندند، گاه به ۱۵ می‌رسد و معمولاً شامل سه گروه زیر است:

۱. ضمائر متصل (۹ لفظ) مانند hi- (ضمیر سوم شخص مفرد متصل)؛
۲. برخی حروف اضافه موخر معین (معمولاً ۴ لفظ) نظیر c به معنای «از» (مشتق از hačā در ایرانی باستان).

۳. قید مکان (۲ لفظ) نظیر w<sup>θ</sup> به معنای «آنجا» (مشتق از awada در ایرانی باستان). هنگامی که پسوندهای متعددی به یک فعل می‌پیوندند، معمولاً، به ترتیب ضمیر، حرف اضافه موخر و قید می‌آیند. (با چند استثنا نظیر آمدن bir قبل از wa). این توالی‌گاه در تعارض با مفهوم واقع می‌شود. مثلاً، توالی پسوندها در عبارت c<sup>2</sup>yt<sup>2</sup>hyw<sup>2</sup>byr به معنای «او جلوتر از او (مفعولی) آنجا داخل شد»، به ترتیب زیر است:

c<sup>2</sup>yt<sup>2</sup>-hy-w<sup>2</sup>-byr

او داخل شد - او (مفعولی) - آنجا - جلوتر

نکته درخور ذکر دیگر دربارهٔ افعال زبان خوارزمی وجود اصل پیش‌گرای<sup>۳۳</sup> یا صدارت طلبی (در اصطلاح زبان عربی) است. بدون درک صحیح این اصل، شناخت ساختمان فعل در زبان خوارزمی میسر نیست. در زبان خوارزمی، مکان فعل در جمله معمولاً آزاد است؛ اما، بنا بر اصل مذکور، اگر فعل قبل از مفعول قرار گیرد، مفعول یک بار دیگر هم با یک ضمیر متصل بیان می‌شود و این ضمیر به خود فعل یا به واژه‌ای قبل از آن

→ در زبان فارسی «خواستن» که دارای همان معنای k<sup>2</sup>m است و برای ساختن مستقبل به کار می‌رود، صرف می‌شود و فعل اصلی ثابت می‌ماند در حالی که در دو زبان سغدی و خوارزمی فعل اصلی صرف شده و لفظ k<sup>2</sup>m ثابت است. و برای توضیح بیشتر در مورد افعال خوارزمی ←:

W. B. HENNING, "The structure of the Khwarezmian verb, *Asia Major* 5, 1955, 43-49 [pronouns and local adverbs suffixed to verbal forms; noun inflection]; D. N. MACKENZIE, "Khwarezmian imperfect stems, in: *mélanges linguistiques offerts à Émile Benveniste, Louvain* 1975, 389-395 [detailed investigation of the formation of the impf.; see also H. Humbach, *MSS* 45, 1985, 97-103].

می پیوندد. برای مثال:  $h^{\circ}\beta rnyd\ y^{\circ}\ \delta wyd^{\circ}m = h\alpha\beta irnidi\ y\alpha\ \delta uyd\alpha m$

«من دخترم را به تو داده‌ام» با ساختِ اصلی به صورت «من - داده‌ام - او را (مؤنث) - به تو - دخترم» در می‌آید که، اگر به اصل پیش‌گراییی توجه نشود، مفهوم کاملاً نادرستی از آن به دست می‌آید. صرف نظر از مفعول، برای بیان سایر اجزای یک جمله، نظیر عبارت دارای حرف اضافه یا گروه حرف اضافه، به شرط تقدّم فعل، پسوندهای پیش‌گرا به کار می‌روند. حتی برخی از صورت‌های فعلی می‌توانند تا دو پسوند پیش‌گرا داشته باشند.

تلاشی که برای این‌گونه آشنایی‌های آغازین با مطالعات جدید زبان‌شناسان و ایران‌شناسان انجام می‌گیرد این امکان تازه را به ما ارزانی می‌دارد که پرده از روی گوشه‌هایی از اسرار زبان خوارزمی برداریم و این خود مفهوم شعر شلی<sup>۳۳</sup> (Shelley) را کم‌رنگ‌تر می‌سازد:

ساحل تنهای خوارزم ... گسترهٔ تباهی اندوهناکِ مرداب‌ها.

□

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی